

### ۳ رضانامه

همین مجتمع آقا امام زمان را می گویم، سری بزن ببین چقدر بچه‌ها تشنه اند...



### ۲ دکتر توکلی و ارتباطات



### ۴ تکرار رابطه پر آسیب و پاسخ دکتر قنبری



۳ خنده و گریه هر دو از توست  
بلاجویی در سیاست عاشورایی  
و حدیث مکرر رسانه اموی

### ۴ یک سوزن به خودمون یه جوالدوز به مسئولین

## سخن سردبیر

### صرفا جهت یادآوری

تا حالا قطعا ضرب المثل "یه شبه ره صدساله رفتن" به گوشت خورده؛ تا حالا حتما در مورد موقعیت‌های استثنایی و شانس‌هایی که یک بار در خونه‌ی آدم رو می‌زنه یه چیزهایی شنیدی. این مطالب صرفا جهت یادآوری! اول به خودم بدش به شما که قدر لحظه‌ها و ساعاتی که نقش همون موقعیت‌های استثنایی و شانس‌های تکرار نشدنی رو دارن و بیشتر بدونیم، همون می‌دونیم که عرفا و علمای دینی مراتب زیادی برای ترک گناه مطرح کردن و راه‌های به ظاهر سخت و پیچیده‌ای عنوان کردن برا راهی از بندهای نفس؛ ولی من می‌خوام یه راه یه شبه رو یادآوری کنم. یه اسم طلایی که همیشه به حرمتش معجزه کرد و طولانی‌ترین مسیرهارو تو کوتاهترین زمان طی کرد. تو این سفر ضربتی و یه شبه برای اون طی مسیری طولانی فقط یه چیز لازم داری اونم ادب حضوره. مثال دست به مقدم داره که شدنی؛ حتی اگه تو نهایت پستی و ظلمت باشی می‌تونی یک دفعه و در عرض یک لحظه خودت و به اوج روشنائی برسونی. حر، مگه سردمداره سپاه شقاوت نبود؟! یک لحظه ادب کرد محضر امام عالمیان؛ همین ادبش نجاتش داد و باعث شد یه شبه ره صدساله رو طی کنه و شد اولین شهید حماسه همیشه جاوید کربلا.

شاه کلید و اسم اعظم طی این مسیر یا حسین(ع)! شبای محرم متعلق به خود خدشه! همون امامی که کشتی نجاتش از همه زودتر به ساحل امن و آرامش می‌رسه. همون کسی که، اگه تو این روزا که قلت داره از غمش می‌سوزه و سخن چشمت از غربت خبسه به آه از ته دل بکشی از شدت درد دوری از خیمه‌ی سبزش، با تمام وجودت صداس بزنی و ازش تمنا کنی که دستت رو بگیره، خودت و تو محضرش حس کنی بدش مثل حر ادب کنی سرت رو پایین بندازی، همه چیز درست میشه، چون همینکه آقای همه‌ی خوبی‌ها، حسرت نگاه و داغ دلت و حس کنه؛ می‌خردت و حکم برائت رو امضا می‌کنه. دستت رو می‌گیره و از بالاتر گناه و گرفتاری‌های کوچیک و بزرگ دنیایی نجات می‌ده؛ یه شبه و بدون طی کردن هیچ کدوم از اون مسیرهای سخت و دشوار خودسازی قدم می‌زاری تو حریم کرشم، اونوقته که تو هوای پاک اون حریم نفس کشیدن، بخوای نخواستی وجودت و از همه‌ی زشتی‌ها و پلشتی‌ها پاک می‌کنه روح و یه جوری سقیل می‌ده که دیگه دلت نمی‌یاد با هیچ چیزی آلودش کنی.

حالا تا باقی موندن این لحظه‌ها از دست نرفتن به کاری بکن؛ بلند شو وضو بگیر و رو به قبله بایست؛ از ته دل یه یا حسین یگو و یه سلام به آقا بده. شک نکن که با تمام وجودت صداس کنی و ازش بخوای بی‌پرو برگرد به یه جایی می‌رسی که حسرت عالم و آدم از ازل تا ابد بوده و هست، فقط ادب حضور تو محضرش یادت نره!

بلند شو! بسم الله! السلام  
علی‌الحسین و علی‌بن‌علی بن‌الحسین  
و علی‌اولادالحسین و علی‌اصحاب‌الحسین.



## دانشجو باید نباشد

### خلوص را تضمین کنیم

یک نکته این است که در دوران دفاع مقدس، آنچه که در حرکت بسیج دیده میشد، در عیار خلوص، دارای عیار بالائی بود، که این را باید امروز هم ما تأمین کنیم در حرکت بسیج. میدان امروز، میدان پیچیده تری است، رفتن در عرصه‌ی جنگ و قتال و مبارزه کردن و مسئولیت به عهده گرفتن، بعد هم به شهادت رسیدن یا جانباختن، یا به سلامت برگشتن، حضور در آن میدان کار خطرناکی است، اما پیچیدگی ندارد. حضور در میدان امروز در مقابله با توطئه‌ی دشمن، حمله‌ی دشمن، و صف‌آرایی این دو صف و دو جبهه‌ی برجسته پیچیدگی هائی دارد؛ ممکن است آن خطرات نقد آن روز، امروز نباشد، لکن پیچیدگی‌های بیشتری دارد. امتیاز آن صحنه این بود که کسی که میرفت، خلوص واضحی از خود نشان میداد، ورود در آن میدان، ورود در میدان مرگ و زندگی بود؛ شوخی نبود؛ هم شهامت لازم داشت، هم فداکاری لازم داشت، هم ایمان لازم داشت، هم توکل به خدا لازم داشت، و میرفتند شهید میشدند. امروز در میدانهای مختلف، همان ایمان، همان شهامت لازم است، اما بدون این عناصر هم ممکن است کسانی در کسوت بسیجی ظاهر بشوند؛ این را بایدست مراقبت بکنید. از خودمان مراقبت کنیم در درجه‌ی اول و از محیط بسیجی مراقبت بکنیم در درجه‌ی بعد؛ این کار یکایک آحاد بسیج است. عیار روحیه‌ی بسیجی در مجموعه‌ی بسیج، باید بالا برود؛ خلوص را باید تضمین کنیم و در مجموعه‌ی کارها تضمین کنیم. این یک قدری سخت است. یک علت اینکه جهاد در میدان مقابله‌ی با نفس و مسائل معنوی، «اکبر» نامیده شده است، همین سخت تر بودن کار است. در جنگ با دشمن - جنگ نظامی - انسان راحت میتواند آن میزان خلوص خود را و میزان خلوص دیگران را اندازه‌گیری بکند؛ راحت تر میشدود اندازه‌گیری کرد، اینجا نه؛ اینجا هم خود انسان دچار اشتباه میشود، هم دیگران در شناخت انسان دچار اشتباه میشوند.

بیانات رهبری در دیدار جمعی از بسیجیان، ششم محرم الحرام ۱۴۳۴

## تلخ و شیرین مجتمع ولیعصر(عج)

### مهمانان با خانه‌هایشان آمدند

سرویس خبر بقیجه: مهمانانی داشتیم در مجتمع ولی عصر (عج) که گویا به دعوت گروه مردم شناسی آمده بودند. مهمانان خانه‌هایشان را آوردند جالب بود غذاهایشان را با خود به همراه داشتند. صنایع دستی‌شان را برایمان آوردند. استقبال با شکوهی شد از طرف دانشجویان و این را باید به فال نیک گرفت. در جایی از دانشگاه ما مراسم افتتاحیه‌ای بر پا شد سالن شهید باکری را می‌گویم اما سوآلی برایم مطرح شد چرا بعد از چند روز میهمانی مراسم افتتاحیه برگزار شد؟ بگذاریم. کمی از افتتاحیه این میهمانی بگویم، مهندس صدیق (رییس سازمان امورعشایر) آمدند پشت تریبون و اشاراتی به سرودی که از طرف گروه کر شهرداری منطقه سیزده برگزار شد داشتند. گفتند: برای مملکت ما جانم را فدا میکنم، صدقات بارزش عشایر غیور کشورمان هستند. این عشایر ما کمتر از دو درصد جمعیت کشورند اما بیست درصد پروتئین مرتبط با دام را تولید می‌کنند. یک چهارم دام کشور و یک سوم مراتع کشور را اداره می‌کنند. بیست و پنج درصد صنایع دستی کشور را مدیریت می‌کنند. مهندس صدیق گفتند علیرغم تحمل سختی‌های فراوان که به نمونه‌های دلخراشی از آن نیز اشاره نمودند، به تولید ادامه می‌دهند، ایشان ذکر کردند ما با دایر کردن این نمایشگاه‌ها و دیدن زیبایی‌های صنایع دستی و خوراکی‌ها از واقعیت‌های زندگی آنان غافل می‌شویم. زمانی که جنگ می‌شود او تفنگ خود را بر می‌دارد و قبل از من و شما به دفاع می‌رود و همچنین این را هم گفتند که نسبت شهدای عشایر به شهدای شهرها بیشتر است. "دو صد گفته چون نیم کردار نیست". عشایر در کردار مملکت را از لحاظ اقتصادی، سیاسی و دفاع از ولایت و از همه نظر حفظ می‌کنند. رهبر معظم انقلاب می‌فرماید جنگ و دفاع عشایر قبل از اینکه شنیدنی باشد دیدنی است. هر کدام به اندازه ۱۰ رزمنده دفاع می‌کردند و حب الوطن من الایمان برای اوست، در انتها با اشاره به سرود دیگری که خوانده شد دانشجویان را به احترام به والدین و قدردانی از ایشان قبل از عدم حضورشان و افسوس خوردن توصیه نمودند. در این مراسم خانم دکتر تاج هم کمی صحبت کردند، اشاره داشتند عشایر علاوه بر جایگاه سیاسی و اقتصادی جایگاه فرهنگی هم دارند. همچنین در حفظ محیط زیست هیچ جامعه‌ای به اندازه عشایر مؤثر نیست و سود فراوانی از گردشگری ایلات و عشایر به دست می‌آید خیلی فراتر از انواع گردشگری است. متأسفانه همه فکر می‌کنند عشایر جا و مکان ندارند در حالیکه بیلاق، قشلاق، میان بر و ایلر جا و مکان عشایر است که مدام در حال تصرف است و زندگی صنعتی و ماشینی متأسفانه عامل این امر شده است. در پایان خانم دکتر

تاج نیز با تأکید بر صحت‌های مهندس صدیق در حفظ حرمتها و حفظ حرمت عشایر و اقوام و زندگی روستایی و حرمت والدین مثالی از زندگی خودشان زده، اینکه مادرشان سکنه کردند و چند ماه در کما بودند و دو سال بیمار که در تمام طول این مدت پرستار شبانه روزی ایشان بودند واقعا عبرت انگیز بود.

در همان روز افتتاحیه اتفاقاتی در حیاط رخ داد که جای تعجب داشت. اتفاقاتی کاملاً نادر و همینطور عجیب که البته باعث شد تمام لذت بردن از محیط زیبای عشایری از بین برود. بعد از اذان ظهر همگی منتظر شروع کلاسها بودند که ناگهان صدای موسیقی محلی فضای دانشگاه را پر کرد. چشم‌ها همه به سوی دانشگاه ادبیات دوخته شد. موسیقی محلی زیبایی به گوش میرسد که ناگهان همگی شاهد اجرای رقص محلی توسط همان



اعضای گروه عشایری شدند. هر لحظه به جمعیت تماشاچیان اضافه می‌شد در همین زمان بعضی از دانشجویان محترم نتوانستند جلوی ابراز احساسات خود را بگیرند و به جمع حلقه بسته‌ی محلی‌ها پیوستند. کمی آنطرفتر گویا خانمهایی با لباس محلی آمدند و حلقه‌ای بستند. دانشجویانی را دیدم که تا کمر از پنجره آویزان بودند و با دوربینها و گوشیهایشان فیلم و عکس می‌گرفتند. برخی دانشجویان معترض شدند و کار به درگیری کشید بر علیه هم شعار دادند خلاصه بگویم رفتارهایی شد که در شأن دانشجو و دانشگاه نبود. راستش این را نمی‌دانم چرا هیچ کس به این موضوع توجه نکرد که در همین شادیها کمی آنطرفتر در دانشگاه خودمان مراسمی بر پا بود، دانشکده علوم اجتماعی سالن ابوریحان مراسم چهلم مرحومه استاد نوشین آقا جانی برگزار می‌شد و یک عده آنجا اشک می‌ریختند قابل ذکر است بگویم خانواده آن مرحومه هم تشریف داشتند. همه مشغول عزاداری بودند که صدای موسیقی، کف و سوت در مراسم خودنمایی کرد. واقعا بد شد.

دانشجویانی را دیدم که حرفی برای گفتن داشتند که فکر کردم بهتر است به گوش مسئولین محترم برسد.

یکی از دانشجویان گفت: بهتر نبود این برنامه جالب را در زمان بهتری مثلاً اعیاد غدیر و قربان برگزار میکردند نه یک هفته مانده به محرم و حال که برگزار شد بهتر نبود مراسم عزاداری برای ابا عبدالله (ع) به سبک عشایری برگزار میشد نه موسیقی و رقص.

دانشجوی دیگری گفت: بهتر نبود نظارت و برنامه ریزی بیشتری میشد تا این اتفاقات رخ نمی‌داد.

دانشجویی گفت: این نوع برنامه‌ها و رقص محلی بیشتر در دانشگاه هنر رایج است و البته دانشجویان آنها یا چنین مراسمی آشنایی بیشتری دارند چون دانشگاهشان این جو را برایشان به وجود آورده اگر خواهیم دیگر شاهد چنین اتفاقاتی نباشیم باید فرهنگ سازی و ایجاد جو مناسب و البته برنامه ریزی همراه با هماهنگی را در دانشگاه خودمان داشته باشیم.

دانشجویی گفت: آیا واقعا محیط علمی و دانشگاهی و جایی که همه به اصطلاح برای کسب دانش و ارتقاء سطح علمی خود به آنجا می‌آیند چنین برنامه‌ای را قبول میکند. دیگری گفت اگر مسئولین به فکر اجرای برنامه‌های شاد و متنوع و متناسب با نیاز جوان در زمان اعیاد و انواع اردوهای فرهنگی سالم باشند. شاید شاهد انفجار در چنین شرایطی که نه مکان مناسب بود و نه زمان نباشیم.

حرفها بسیار بود و مجال نوشتن اندک، شما چه فکر میکنید؟

- ۱. ایستگاه صلواتی هفته اول محرم، توسط چند تن از دانشجویان با هزینه شخصی در حیاط مجتمع برگزار شد.
- ۲. مراسم عزاداری توسط بسیج دانشجویی هفته اول محرم همه روزه در نمازخانه دانشگاه دایر بود.
- ۳. برنامه دمازنی و عزاداری طبق سنوآت گذشته توسط بسیج دانشجویی با استقبال خوب دانشجویان در روز ۶ محرم در حیاط مجتمع اجرا شد.
- ۴. نمایشگاه ایلات و عشایر هفته آخر آبان ماه در حیاط مجتمع برپا شد و ۹۱/۸/۲۳ مراسم افتتاحیه آن در تالار شهید باکری برگزار شد.
- ۵. برنامه پاسداشت کتاب، چهارشنبه ۹۱/۸/۲۴ با محوریت نقد و بررسی کتاب‌های ورزشی با حضور شخصیت‌های ورزشی شناخته شده توسط کانون نوآندیشان برگزار شد.
- ۶. یکی از دانشجویان به نام زهرا عابدینی دار فانی را وداع گفت، روحش شاد و یادش گرامی باد.

## معضلات دانشگاه و لبخند مصلحتی

یه چیز بسیار متمایز کننده داره که بازم اون رو از بقیه‌ی دانشگاه‌ها خاص‌تر کرده و اونم نمایشگاه موتوریه که دقیقاً جلوی در دانشگاهه و مسیر عبور و مرور دانشجویها رو دشوار کرده. یه جورایی رد شدن از بین اون موتورها واسه خودش کنکور ورودی به داخل دانشگاهه که البته این کنکور عملیه. راستش بعضی روزا فکر می‌کنم به جای دانشگاه به گمرک برای خرید موتور رفته، چون خدارو شکر انواع و اقسام موتور در طرح و رنگ دلخواه شما موجوده و هر جور موتوری رو شما می‌توینید پیدا کنید. من فکر می‌کنم، یعنی ۱۰۰ درصد مطمئنم که این محل عبور و مرور به هیچ وجه من الوجوه در شأن دانشجویان دانشگاه نیست ولی وجود این موتورها محاسنی هم داره که لازمه به چند موردش اشاره کنم: ۱. بودن موتورها تمرکز دانشجویها رو بالا برده یعنی

ادامه در صفحه ۲

## علم اسلامی

در مورد معنای علم اسلامی نظرات متفاوتی وجود دارد: - عده‌ای منظور از علم اسلامی را علمی دانسته اند که در فضای فرهنگ و تمدن اسلامی تکون و توسعه یافته است. - بعضی منظور از علم اسلامی را علمی دانسته اند که هدف آن‌ها تبیین کتاب و سنت است، مثل فقه و اصول و تفسیر قرآن و فلسفه و کلام و مقدمات آن‌ها. - بعضی گفته اند که مهم نیست منشأ علم کجا باشد. اگر مسائل آن علم در چهار چوب جهان بینی اسلامی تفسیر شوند می‌توان آن علم را اسلامی تلقی کرد. - برخی اسلامی کردن علم را به معنای پرداختن به معجزات علمی قرآن و سنت تعبیر کرده‌اند. - عده‌ای نیز علم را اسلامی دانسته اند که در خدانشناسی و رفع نیازهای مشروع فردی و اجتماعی جامعه‌ی اسلامی مؤثر باشد.

دکتر مهدی گلشنی در کتاب از علم سکولار تا علم دینی خود ضمن تأیید نظریه‌ی آخر محدود کردن علم اسلامی به معارف خاص دینی را بسیار تنگ نظرانه و با قرآن و سنت اسلامی غیر مطابق می‌داند.

استاد شهید مرتضی مطهری (در سخنرانی مورخ ۲۹ دی ماه ۱۳۴۰ شمسی در انجمن ماهانه دینی) اظهار داشتند: اساساً این تقسیم درستی نیست که ما علوم را به دو رشته تقسیم کنیم: علوم دینی و علوم غیر دینی، تا این توهم برای بعضی پیش بیاید که علمی که اصطلاحاً علوم غیر دینی نامیده می‌شود از اسلام بیگانه‌اند. جامعیت و خاتمیت اسلام اقتضا می‌کند که هر علم مفید و نافع‌ای را که برای جامعه‌ی اسلامی لازم و ضروری است علم دینی بخوانیم.

به قول مولانا ابوالاعلی مودودی (دهه‌ی ۱۹۳۰): باید به خاطر داشت که اسلام برخلاف مسیحیت اجازه نمی‌دهد که آموزش و پرورش به دو بخش نفوذ ناپذیر، یعنی دینی و سکولار، تقسیم شود. اسلام فقط منحصر به این و اخلاق نیست. بلکه آن تمامی گستره‌ی حیات را شامل می‌شود. پس آموزش و پرورش نباید به آموزش و پرورش دینی و سکولار تقسیم شود. این ضمناً تعبیری است که در قطعنامه‌ی اولین کنفرانس بین المللی آموزش و پرورش اسلامی (سال ۱۹۷۷)، آمده است:

پس علوم شریعت (قانون اسلام) با علوم دیگر نظیر طب، مهندسی، ریاضیات، روان شناسی، جامعه شناسی و غیره به هم می‌رسند، از این جهت که همه آنها تا مادامی که در چهارچوب اسلامی حرکت می‌کنند و با مفاهیم و نگرش‌های اسلامی توافق دارند اسلامی هستند.



(پس از ورود اسلام به سرزمین ایران، درخشش نخبگان کشورمان در جهان علم آغاز شد و به مدد این دانشمندان مسلمان بود که علوم‌ی مانند طب، فلسفه، اخلاق، هیات، ریاضیات و... به اوج شکوفایی خود رسید و توانست بسیاری از پیشرفت‌های بشری - حتی در قرن حاضر- را موجب شود. دانشمندان برجسته ما کسانی بودند که دانش دین را در کنار دانش‌های معمولی زندگی دارا بودند، یعنی همه دانش‌ها از مجموعه دین برآمده است. در جهان بینی ما، علم از دین می‌جوشد و بهترین مشوق علم، دین است. دینی که ما می‌شناسیم، جهان بینی دینی‌ای که ما از قرآن می‌گیریم، تصویری که ما از آفرینش و از انسان و ماوراء الطبیعه و از توحید و از مشیت الهی و از تقدیر و قضا و قدر داریم، با علم سازگار است، لذا تولید کننده و تشویق کننده علم است. نمونه اش را در تاریخ نگاه کنید، حرکت علمی در قرون اولیه اسلام بر اثر تشویق اسلام چنان اوج گرفت که تا آن روز در دنیا بی‌سابقه بود. - در همه زمینه‌ها و علوم و دین با هم آمیخته و ممزوج بود و دانش و تحقیق و فن در حد خود پیشرفت کرد.)

(بخشی از بیانات مقام معظم رهبری در ۸۲/۳/۱۴)

تهیه: بشری قربانی، پژوهشگری علوم اجتماعی

## اشاره:

استاد احمد توکلی دارای دکتری مدیریت رسانه و عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز، در رشته ارتباطات می‌باشند ایشان بیش از ۱۳ سال تدریس، در مراکز علمی مختلف اعم از دانشکده خبر، جهاد دانشگاهی (دانشگاه تهران)، مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌ها و... داشته‌اند. همچنین ۳۰ سال سابقه مطبوعاتی در سمت‌های مدیر مسئول و سردبیر و... در روزنامه‌های جمهوری اسلامی، ایران، ایران ورزشی، همشهری محله، خبرگزاری سنا، همشهری، تهران امروز، روزنامه انگلیسی زبان تهران تایمز داشته‌اند. نشریه بقیچه با عنایت به سابقه درخشان مطبوعاتی این استاد گرانقدر گفت‌وگویی در موضوع تخصص ایشان ترتیب داد.

در ابتدا امیدوارم طواف شما به دور کعبه و زیارت مدینه النبی قبول درگاه حق باشد.

خداوند نصب شما هم بفرماید.

استاد شما سطح توسعه و رشد مطبوعات را در کشور چطور می‌بینید؟

بدون تردید مطبوعات در کشور - به ویژه پس از انقلاب اسلامی - رشد و توسعه چشمگیری داشته است، در عین حال باید اعتراف کرد این رشد کمتر از آنچه بوده است که توقع می‌رفت. سرعت رشد و توسعه مطبوعات طی ۳۰ سال گذشته متناسب با دولت‌هایی که آمده‌اند متغیر بوده است. گاه سرعت بیشتری یافته و در برخی از دوره‌ها هم بطئی تر بوده است.

از نظر شما در ایران به چه نوعی از مطبوعات اعم از سیاسی - اقتصادی - ورزشی و... توجه می‌شود؟ و علت گرایش بیشتر مردم به یک حیطه یا موضوع خاص در چیست؟

نمی‌شود در ارتباط با این سوال شما حکم کلی داد. به طور مثال در اغلب کشورها نشریات عامه پسند پرطرفدار هستند، چرا که «عامه» است که جامعه را تشکیل می‌دهد، یا مثلاً روزنامه‌های ورزشی چون از همین طیف محسوب می‌شوند، به

# استعداد نهفته ایرانی فراوان است

این شناخت زیاد نیست، حتی دانشجویان این رشته نیز، در زمان انتخاب این رشته و حتی در دو سه سال اول ورودشان به دانشگاه شناخت درستی از رشته خود ندارند.

**سطح علمی و دانش دانشجویان ارتباطات دانشگاه را چطور می‌بینید؟**

به عقیده من مطلوب نیست، و البته عوامل متعددی در این رابطه نقش دارند؛ مثل بسیاری رشته‌های دیگر سیاست گذاری های فرهنگی مشخصی وجود ندارد. دروس آموزشی متناسب با زمان و متناسب با بازار کار نیست، به نظر می‌رسد - بدون توجه به نتیجه - همه ما در حال انجام وظیفه شریف خود هستیم از مسوول فرهنگی گرفته تا مدیر، تا استاد تا دانشجو و ...!

**به نظر شما دانشگاه ما تا کنون چقدر در زمینه ارتباطات برای دانشجویان کاری کرده؟ به طور مثال سال گذشته روز جهانی ارتباطات همه دانشگاه‌های ارتباطات مراسم و همایش داشتند اما دانشگاه ما هیچ برنامه‌ای نداشت!**

این وظیفه دانشجویان و استادان است. خودشان باید استین بالا بزنند.

**به عقیده‌ی شما نمایشگاه مطبوعاتی که هر ساله برگزار می‌شوند در چه سطحی است و تا چه حد توانسته جایگاه مطبوعات را در میان مردم گسترش دهد؟**

چون در دو سه سال گذشته همزمان با برگزاری نمایشگاه من در ایران نبوده‌ام نمی‌توانم نظر بدهم.

**شما به عنوان کسی که چندین و چند سال سابقه در زمینه ارتباطات و روزنامه نگاری دارید، نشریه دانشجویی بقیچه را در چه سطحی می‌بینید؟ اگر پیشنهاد و راهکاری برای پیشرفت ما در نشریه دارید بفرمایید.**

یکی دو شماره‌ای که من دیده‌ام، هم به لحاظ محتوایی و هم صفحه‌آرایی نشریه بسیار خوبی است، در عین حال توصیه می‌کنم برای آنکه هر روز بهتر از قبل باشید، نظرسنجی از دانشجویان و استادان را همواره در دستور کار داشته باشید، و حتی بدیهی‌ترین انتقادات را جدی بگیرید.

**از اینکه وقت ارزشمندتان را در اختیار نشریه قرار دادید بسیار سپاسگزاریم.**

گفت‌وگو: زینب امیدی پناه، ارتباطات

طور معمول خریداران فراوانی دارند. با وجود این، در مقطعی ما شاهد این هستیم که روزنامه‌های سیاسی پرمخاطب می‌شوند و گرایش مردم به آنان بیشتر می‌شود و این زمانی است که امکان تضارب آراء و دیدگاه‌های انتقادی بیشتر می‌شود و رسانه‌ها عرصه تنوع آراء گروه‌های مختلف می‌شوند. یا نشریات اقتصادی مخاطبان ثابت و خاص خودشان را دارند.

**به نظر شما هدف از حذف شبکه‌های ایرانی از ماهواره هات برد چیست؟ آیا در دنیای امروز رسانه و مطبوعات شامل تحریم می‌شوند؟**

بدون شک این یک تناقض آشکار در آنچه‌ی است که غربی‌ها آن را آزادی بیان می‌نامند. این اقدام نشان داد که آنها علی‌رغم ادعایی که دارند، نظرات مخالف را بر نمی‌تابند. نقاط قوت و ضعف ما در روزنامه نگاری نوین چیست؟



استعدادهای نهفته در بطن جامعه ایرانی برای هر گونه رشدی فراوان است، لکن در جهت فرصت‌های تکنولوژیکی باید تلاش کنیم. از سوی دیگر به نظر می‌رسد فاصله ایجاد شده میان ما و غربی‌ها که از روزنامه نگاری سنتی برجای مانده است، نقش مؤثری در رسیدن به شرایط مطلوب دارد. از این موضوعات که بگذریم شرایط سیاسی هم می‌تواند، در سرعت بخشیدن یا کند شدن، روندها مؤثر باشد.

**به نظر شما از زمان ابداع رشته ارتباطات در ایران تا کنون این رشته چقدر در میان مردم جامعه شناخته شده است؟**

## کتابخانه بقیچه

در این ستون به معرفی محصولات تولید شده توسط دانشجویان دانشگاه‌های آزاد منطقه ۸ می‌پردازیم در صورت تمایل کتب و محصولات فرهنگی خود را جهت معرفی به دفتر نشریه تحویل دهید. متن ذیل مقدمه مقاله خانم طاهره فهیمی نجم از دانشجویان کارشناسی ارشد رشته ادیان و عرفان مجتمع دانشگاهی ولیعصر(عج) می‌باشد که در همایش ملی (مولانا معلم معنا مهر ۱۳۹۱) برگزیده گردید. در صورت درخواست اصل مقاله به دفتر نشریه مراجعه فرمایید.

### اخلاق از دیدگاه مولانا

اخلاق عرفانی نتیجه سیر و سلوک عارف در مراحل سلوک است و مولانا در مثنوی معیار اخلاقی بودن هر عمل را در قالب داستانهایی مختلف مورد بررسی قرار می‌دهد. از جمله داستان امام علی(ع) و خدو انداختن دشمن بر روی او و داستان پادشاه کنیزک و توبه آدم(ع). خداوند در تمام فضایل اخلاقی مولانا، در مثنوی حضور دارد و رابطه اخلاق و عرفان مانند رابطه ظاهر و باطن و عرفان عمیق تر و بالاتر از اخلاق و پایان اخلاق شروع سلوک است و اخلاق و عرفان امری دینی است و آن به یکی از مضمومین(ع) ختم می‌گردد و انسان کامل به عنوان الگوی اخلاقی معرفی می‌گردد و بی‌ادبی در برابر حق تعالی مانع لطف الهی است و صلح و دوستی نتیجه فضایل اخلاقی می‌باشد.

در این دوره‌ای که بشر به دنبال یافتن منافع و مضار این جهانی پدیده‌ها می‌گردد، اگر به اخلاق روی می‌آورد، نه به خاطر آنکه دغدغه او جهان آخرت و پاداش و کیفر و سعادت اخروی باشد، بلکه به جهت تحصيل سعادت دنیوی و رفع نیازهای این جهانی است.

پیش فرض این دیدگاه این است که بشر خودکفاست و می‌تواند همه مشکلات خود را حل

### درمان انواع مختلف جوش:

#### ۱. جوش‌های طبیعی

الف: برگ چغندر را له کرده و بر روی محل جوش‌ها بمالید.

ب: آرد گشنیز خشک را با حنا مخلوط نموده و سپس آن‌ها را در سرکه و روغن گل حل کرده و بر روی جوش بمالید.

#### ۲. جوش‌های توأم با خارش

الف: حنا را همراه با روغن گل مخلوط کرده و بر روی جوش بمالید.

ب: سماق را با سرکه مخلوط نموده و بر روی جوش بمالید.

ج: انار پخته شده را کوبیده و با هسته و پوست بر روی جوش‌ها بمالید.

#### ۳. جوش‌های سیاه

به هنگام شب گوجه فرنگی را نصف نموده و بر روی جوش‌ها بمالید و فردای آن روز با برگ ترشک کوبیده مالیده و سپس شست و شو دهید.

### ۴. جوش‌های ریز سر

شاه تره، جوش شیرین و سدر را به مقدار برابر تهیه کرده و با ماست خمیر نموده و بر روی آن بمالید.

### ۵. جوش‌های زخمی شده

برای درمان جوش‌هایی که ترکیده و تبدیل به زخم شده اند هر روز مورد و ماش را کوبیده و با سرکه مخلوط نموده و بر روی موضع بمالید.

### ۶. جوش‌های پهن شده:

برای درمان جوش‌هایی که روی پوست بدن پهن می‌شوند گرد غوره تهیه کرده و بر روی آن بمالید.

### ۷. جوش دهان:

به منظور درمان جوش دهان شاهره را جوشانده و با آب صاف شده آن غرغره کنید.

**مانده صمدی، مشاوره راهنمایی**

**کتاب درمان بیماری‌های پوستی با طب گیاهی**

باید مسیر هفت خان گذر از تونل موتور و ماشین‌ها رو طی بکنن. بیایید راحت از کنار مسائل و مشکلات دانشگاه نگذریم! دانشگاه می‌تونه زمین‌های اطراف رو اجاره کنه و پارکینگ درست کنه برای دانشجویان گرمای یا تو همین پارکینگ اسانید جایی برای موتورها باز کنه و به مغازه‌های اطراف هم بگن که پارک ماشین ممنوع و یک تاکسی سرویس تو پارکینگ دانشگاه احداث کنه و ماشین‌هایی که دم دانشگاه درست سوار می‌کنن رو ساماندهی کنه و یا میله‌ای بذارن که کسی موتور پارک نکنه و یا... نمی‌دونم اینا راه حل‌هایی بود که به ذهن این حقیر رسید، حتماً شما بهترین راهکار رو بلدین و انجام می‌دین. منتظر اصلاحات هستیم. تورو خدا زود باشید تا بقیچه بعد و درد و دلی دیگه، حق یارتون.

**خبرنگار بقیچه پیچ**

### عبور از هفت خان موتور

#### ادامه از صفحه اول

۳. وقتی که موتورهای شیک و زیبا رو جلوی دانشگاه نمی‌بینیم خیلی راحت می‌فهمیم که دانشگاه تعطیل و دیگه نیازی نیست بری تو و از مسئولین بررسی. ولی حالا از این محاسن بگذریم، اشکالی نداره ما فوق فوقش به دور شمسی قمری می‌زنیم تا بریم اون طرف خیابون اما واقعا مسئولین محترم خودشون رو فقط یک دقیقه جای عزیزان روشن دل یا معلولین عزیز گذاشتن؟ (که تعدادشون در دانشگاه ما قابل توجه هم هست) که ببینن با چه مکافاتی



## یک سوزن به خودمون یه جوادوز به مستولین

### نامه شما به بقچه

من در طول دوسالی که وارد این دانشکده شدم تا دلان بخواد مسائلی دیدم که فکر می‌کنم بچه‌های نشریه به حق درباره‌اش نوشته‌اند. دانشگاه پر از مشکلاتی است که برای هر شماره ستون خالی باقی نمی‌گذارد. می‌شود کل دانشگاه را زیر سوال برد. می‌شود همه‌ی کاسه کوزه‌ها را روی سر ارگان‌ها فروکشست. می‌شود مدام از آدم‌های دورتری گفت که نه روادار دست حاجت ما هستند و نه دستشان بهمان می‌رسد که قلم دست و پایمان را کوتاه کند! خواستم بگویم خسته نیاشیم. ما خیلی حواسمان به همه چیز بود. ما شیرهای آب را دیدیم، لامپ‌های سوخته‌ی سرویس بهداشتی را دیدیم، صندلی‌های کهنه و انواع و اقسام مشکلاتی که البته اینجا نمی‌تواند را دیدیم. مشکلات زیادند و حواس بینایی ما هم هنوز خوب کار می‌کند. اما بدانیم و آگاه باشیم، که یک مشکل عمده‌ی دیگر هم داریم. و آن؛ خود دانشجویانند. در دوسالی که در این دانشکده درس می‌خوانم و با دانشجویان برخورد نزدیک و دور داشته‌ام، متوجه شدم چیزی به نام "مطالعه" و "کتاب" در زندگی این دوستان خیلی محلی از اعراب ندارد. پرواضح است که هیچ گونه علاقه‌ای به آن ندارند. یا حوصله‌اش را ندارند یا کتاب‌هایی که دوست می‌دارند عشق گم شده و قلب سنگی و کتاب‌های زرد و این قبیل زخبت‌هاست! باعث تاسف است. این‌ها چیزی نیست که بشود در موردش پر احوالی نوشت. چون ما یاد گرفته ایم مدام "دیگران" را نقد کنیم. یا تقصیر را گردن نهادهایی بیاندازیم که نه جان دارند و نه فکر می‌کنند و نه حرف می‌زنند. همین حوالی خودمان، آینده‌های زیادی هست که دارد توی بیراهه‌ها فرو می‌لغزد. می‌توانیم با استفاده از ابزاری که در دست داریم (قلم و کاغذ) بی‌آنکه به کسی بر بخورد، تکالیف به سر و وضع کتاب خوانی بچها بدهیم. ساده و روشن از یک سری کتاب‌ها بنویسیم. به گونه‌ای که هم جذاب باشد و هم برای عده‌ی دست کم، کمی، کششی ایجاد کند. ما بیشتر از این‌ها به قلممان مدیونیم.

ر. ح از دانشجویان مجتمع ولیعصر

### نگاه سینمایی بقچه



سینمای ایران به سنت هر ساله در آغاز ایام عزاداری با کاهش مخاطب همراه میشود. متاسفانه از آنجا که اسامیل فیلمی با حال و هوای ماه محرم در برنامه‌های اکران دیده نمیشود احتمالاً با وضعیتی نامساعدتر از سالهای پیش روبه‌رو خواهیم شد...

ابتدا قرار بود (من و زینب) که تمی مذهبی (وبس موضوع محرم) داشت در این ایام اکران شود، اما ضعیف بودن این فیلم و عدم توفیق در جشنواره‌ی فیلم فجر سال قبل مانع از توافق سینماداران با پخش کننده‌ی فیلم بوده است. با این حال پیشنهاد بقچه از میان ۱۱ فیلم روی پرده، (یکی می‌خواد باهات حرف بزنه) ساخته‌ی منوچهر هادی است که داستان زنی را حکایت میکند که پس از مرگ مغزی فرزندش برای اهدای اعضا بدن او نیازمند رضایت همسر سابقش است که این ماجرا او را با واقعیت‌های تازهای روبه‌رو میکند. بازیگران: شهاب حسینی، آنا نعمتی، حمید رضا پگاه، یکتا ناصر. حاشیه: یکتا ناصر برای این فیلم در سی‌امین جشنواره‌ی فیلم فجر برنده‌ی سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش مکمل زن شد.

### نگاه تئاتری بقچه

تئاتر شهر با آغاز ایام محرم نمایشی با رنگ و بوی حسینی را بر روی صحنه برد. (طوفان) که نگاهی متفاوت از ماموریت مسلم ابن عقیل را کارگردانی میکند به کارگردانی سید حسین فدایی از ۱۰ آبان ماه در تالار قشقایی به اجرا درآمد. بر خلاف آن که ما همواره مسلم را از بیرون دیده‌ایم، این نمایش در تلاش است تا با طرح یک سوال و چندین برداشت در درون مسلم دنیای او و ذهنیتها را به نمایش بگذارد... بازیگران: یعقوب صباحی، مه‌رمان امام بخش، امین طباطبایی، مجید امیری، آرش قاسمی، عمار عاشوری... حاشیه: این نمایش تا ۱۶ آذر ماه پذیرای دوستداران تئاتر می‌باشد.

فاطمه رنج اندیشان و مینا جعفری، ارتباطات



## تکرار رابطه در آسیب



در این ستون سعی خواهیم کرد به یکی از سوالاتی که شما دانشجویان محترم مطرح نموده‌اید پاسخ دهیم لذا در این شماره خدمت آقای دکتر قنبری از اساتید برجسته گروه ادیان و عرفان مجتمع دانشگاهی ولیعصر (عج) و چهره تلویزیونی هستیم ضمن تشکر فراوان از ایشان که وقت گرانبهای خود را در اختیار نشریه بقچه قرار دادند. پاسخ را از نگاه عرفانی این بزرگوار می‌خوانیم. چنانچه فرصتی دست داد از نگاه‌های دیگر اساتید هم در شماره‌های بعد بهره خواهیم برد.

### چرا جوانان علی‌رغم دریافت اطلاعات فراوان و حتی تجارب شخصی مبنی بر زیان‌های رابطه با جنس مخالف به تکرار این تجربه ادامه می‌دهند؟

جوانان به دلایل ذیل به این نوع روابط تن می‌دهند: (۱) عدم اطلاع از نگرش دینی و عرفانی به این معنا که برخی از جوانان از این امر مهم و حیاتی غافل اند در نتیجه از امکاناتی که نگرش دینی و عرفانی می‌تواند در اختیار آنان قرار دهد بهره نمی‌برند و برای تأمین نیازهای روحی - روانی خود به روابطی پناه می‌برند که می‌دانند مضراتی در پی دارد. اما در عین حال لازم است بدانیم که تأمین نیازهای روحی روانی ما همیشه از یک روش حاصل نمی‌شود بلکه روش دیگری هم هست و آن اینکه از راه حدیث نفس یا با خود سخن گفتن ارضا شویم.

اگر خودشناسی یا حدیث نفس واقعاً جنبه‌ی عرفانی پیدا کند کشش و دوامش بیشتر خواهد شد، مثلاً اگر جوانی تا به امروز فقط می‌توانست یک روز جلوی خواسته‌های خود را بگیرد حال با اجرای روش (حدیث نفس) می‌تواند تا یک ماه و حتی بیشتر هم جلوی امیال خود را بگیرد و از اشتباه و گناه خود را باز دارد بنابراین حدیث نفس می‌تواند سپری در برابر خواسته‌های نفسانی که آدمی را به سمت ایجاد چنین رابطه‌هایی سوق می‌دهد و هوای نفسی جویای رابطه‌ی مضر، ایجاد کند. خلاصه سخن در این بخش اینکه جوانان عزیز باید در این حوزه دست به یک تأمل و تحلیل بزنند به این معنا که به عاقبت روابط غیر دینی با دقت بنگرند و ببینند که فرجام این روابط به کجا ختم می‌شود و این روابط را با رابطه مشخص و مبتنی بر عقاید و آموزه‌های دینی مقایسه کنند. به نظر می‌رسد که جوانان اند به مراتب ماندگارتر و مفیدتر به حال و روز جوانان اند.

(۲) عدم توجه به عواقب نگرش مادی گرایانه پوزیتیویستی جوانان ما در اینگونه روابط تحت تأثیر نگرش‌های مادی گرای پوزیتیویستی سکولاریستی غربی‌اند. مادی گرای سکولاریستی به این معناست که زندگی به معنای لذت جویی است ولذت هم درآمده و امور مادی خلاصه می‌شود و یکی از راه‌های دستیابی به این گونه لذات ایجاد رابطه‌های بی‌ضابطه است که در فرهنگ لیبرالیستی غربی هم رایج است و هم تجویز و توصیه می‌شود. فرهنگ لیبرالیستی غربی انسان را در یک چهارچوب‌هایی محدود می‌کند و زندگی انسان را به حوزه‌ی منحصراً می‌کند به گونه‌ای که جز آن چیزی و یا لذتی را به رسمیت نمی‌شناسد، لذا پیام لیبرالیسم سکولاریستی به جوان عصر ما این است که «من می‌خواهم لذت ببرم و لذت هم در همین گونه روابط خلاصه می‌شود و من امروز با این شخص رابطه برقرار می‌کنم و لذت می‌برم و فردا با یک شخص دیگری این رابطه را برقرار می‌کنم و لذت هم می‌برم پس با وجود اطلاع از آسیب‌ها لذت می‌برم ادامه می‌دهند. ما باید فضا را گسترده‌تر کنیم و تفکر کنیم که همه‌ی لذت‌های ما، مادی نیستند و روح، معنویت، دین و امور روحانی هم وجود دارند. در واقع این لذات مادی را نفس انسان است که می‌برد و اگر به نفسمان آموزش دهیم که می‌توانیم به چیزهای دیگر هم بپردازیم. این مسأله کاهش پیدا می‌کند و من راحت‌تر می‌توانم خودم را کنترل کنم و دوباره دست به اشتباه نزنم و به تکرار رابطه آسیب را مشغول نشوم.

ما چون دچار نگاه پوزیتیویستی یعنی «نیجایی و اکنونی زیستن» می‌شویم می‌گوییم که امروز هست، فردا نیست، پس به لذت مادی خود می‌پردازیم. در حالی که هیچ منافاتی ندارد که به رغم وجود این لذایذ باور داشته باشیم که زندگی ما فردایی هم دارد و علاوه بر آن باید بپذیریم که زندگی

فراپندی آمیخته است؛ یعنی شادی با غم آمیخته شده، رنج با راحتی آمیخته شده و... یعنی همیشه یک طرف هست و یک طرف نیست و به اصطلاح زندگی متقابل است اگر ما این مطلب را خوب در کنیم پس دلیلی ندارد که همه چیز را امروز بخوایم. بله درست است عمر ما همانند عمر نوح نیست ولی عمر طبیعی هم میانگینی دارد و لازم نیست که بپنداریم امروز آخرین روز زندگی ماست. کسی به ما نگفته فریادها را انکار کنید بلکه فراد در زندگی ماست و لازم است که تأمل کنیم؛ اگر امروز دختر خانم ما یا آقا پسری را از دست دادیم دیگر تمام می‌شود و هیچ پسر و دختری وجود ندارد. نه اینچنین نیست که بپنداریم امروز آخرین روز زندگی من است بلکه دخترم و پسرها هم تمام نشده‌اند.

(۳) عدم تأمین صحیح نیاز روحی - روانی ما نیازهای روحی - روانی خودمان را از راه درست تأمین نمی‌کنیم و در این زندگی به اصطلاح اهل علم، فرو کاهش گرایانه بر خود می‌کنیم؛ یعنی کل زندگی را تقلیل می‌دهیم به غریزه جنسی و می‌گوییم که همه‌ی زندگی این است به طوری که واقعاً این چنین نیست، در واقع غریزه جنسی فقط یک بخشی از زندگی ماست که ما باید بتوانیم آن را در مسیر درست کنترل کنیم.

(۴) عدم خودگرایی عرفانی و خوابیدن در زمین دیگران جوانان لازم است بدانند که زمان آن رسیده که در زمین خودشان سیر کنند. ما تا کی می‌خواهیم در زمین دیگران برای خودمان خانه درست کنیم در حالی که می‌دانیم که اگر در زمین دیگران خانه‌ای بسازیم آن خانه از آن صاحب خانه است نه سازنده آن و به شما تعلق ندارد.

در زمین دیگران خانه مکن  
چپست بیگانه، تن خاکی تو  
عدم تجربه لذت خود زیستی

بنده ضمن تاکید بر اینکه ضرر وارده بر دختران قابل مقایسه با پسران را ایجاد این گونه روابط نیست به جوانان به ویژه دختران پیشنهاد می‌کنم که خودشان یک آمار کلی از سود و زیان اینگونه روابط داشته باشند و نکته‌ای که در این تحقیق متوجه خواهند شد این است که ما هنوز به لذت خود زیستی عرفانی نرسیده‌ایم چون اگر رسیده باشیم حتماً در اینگونه روابط تجدیدنظر خواهیم کرد و دست کم رابطه‌ای را برقرار نخواهیم کرد که اینقدر به ضرر ما باشد.

به علاوه مگر همه وجود ما فقط در این رابطه تحقیق پیدا می‌کند، آیا ما دوست نداریم دانشمند شویم، باسواد شویم، آگاه شویم، روحمان آرامش داشته باشد، لذت روحی روایی ببریم و... همه این‌ها را فدای این یک لذت آن هم با این همه خسارت کنیم. این گونه روابط همیشه تنها به غریزه ختم نمی‌شود. خیلی از جوانان از این راه‌ها متاد شده اند گاهی فقط رابطه نیست بسیاری مشکلات و چالشها را با خود به دنبال می‌آورد. همچنین وقتی با کسی ارتباط برقرار می‌کنیم این تنها ما نیستیم که متضرر می‌شویم بلکه به والدین و سایر بستگانمان نیز ضرر می‌رساند. آیا اینان در ما حقی ندارند که براحتی با ابرویشان بازی می‌کنیم و اعتبارشان را به لذتی می‌فروشیم و تنها در اندیشه خودمان باشیم. پس جا دارد هم به خاطر سلامتی خود و حفظ اعتبار و ابروی خانواده و جامعه‌مان اندکی به مبارزه نفسمان قیام کنیم.

بعضی دختران به منظور ازدواج می‌خواهند قبل از آشنایی خانواده‌ها، مدتی با خواستگار خود آشنا شوند. در این موارد نظر شما چیست؟

در ابتدا دختران و پسران ما لازم است یک تیپ شناسی شخصیتی داشته باشند تا بدانند با چه کسی بهتر می‌توانند زندگی کنند در واقع جوانان باید به یک نشانه شناسی هم دست بزنند به این معنا که از نشانه‌هایی که امروز در بین جوانان رایج است به دیدگاه هم پی ببرند و صد البته اگر خود را با نشانه‌هایی معرفی کنند که مجوز برخی رابطه‌ها را می‌دهد، منتظر عواقب خطرناک هم باشند در نتیجه برای در امان ماندن از به کارگیری این نشانه‌ها بپرهیزند. درباره این سؤال باید گفت که نفس آشنایی اشکال ندارد ولی جوانان اول باید مطمئن شوند طرف مقابل قصد ازدواج دارد اگر این اطمینان حاصل شد در آن صورت ضمن توجه جدی به هدف اصلی این رابطه به دو نکته‌ی خیلی مهم توجه کنند: (۱) پدر و مادرشان را در جریان قرار دهند؛ (۲) در این مدت دقت کنند که نه هدیه بدهند و هدیه بگیرند چون هدیه تعلق ایجاد می‌کند و مانع ادامه روند طبیعی آشنایی می‌شود و طرفین را از دستیابی به شناخت درست محروم می‌کند و در نتیجه شناخت از بین می‌رود. مضاف بر اینکه اگر به طرف مقابل به عنوان دوست نگاه کنیم نمی‌توانیم او را بشناسیم و عیبهای او را ببینیم پس اگر می‌خواهیم شناخت حاصل شود باید عقل را حاکم کنیم و از دخالت احساسات شناخت و تصمیم سازی و تصمیم گیری جلو گیری کنیم؛ زیرا این امور از عهدگی نقل بر می‌آید نه دل و احساسات. بر همه فرض است که با عقل بشناسیم و با دل زندگی کنیم.

معصومه محمدحسینی، فلسفه

**ردیای بقچه**

مدیر مسئول: سمانه قیصری  
سر دبیر: محدثه عسکری  
دبیر سرویس خبری: زینب امیدی پناه  
طراحی گرافیکی: مهدی رجبی  
هیات تحریریه و همکاران: مصطفی آقامحمدلو، ریحانه جوراب پوریان، معصومه محمدحسینی، فاطمه رنج اندیشان، مینا جعفری، مهسا معاریان، طاهره فهیمی نجم، محدثه سادات پریشان چی، مائده صمدی، وحیده غلامی و بشری قربانی.

نشانی: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکز - مجتمع دانشگاهی ولیعصر (عج) - ساختمان C طبقه اول - اتاق ۱۱۲  
تلفن: ۳۳۳۳۵۷۷۲  
سامانه پیامکی: ۳۰۰۰۲۸۳۲۵۶۵۲۲  
پست الکترونیک: boghcheh.1390@gmail.com  
Vkhmantaghe8@yahoo.com  
mahnamehbooghcheh.blogfa.com

وبلاگ: جهت دریافت فایل نشریه به سایت nahad8.ir مراجعه نمایید.  
نکته: کلیه مطالب درج شده نظر نویسندگان میباشد و الزاماً نظر نشریه بقچه نیست.

**پيامك دهيد خاين و بيگناييد**

هر شماره ۳ برنده

لطفا نظرات خود را در مورد این شماره به صورت (عالی - خوب - متوسط - ضعیف) همراه با عنوان بهترین قسمت نشریه به سامانه ۳۰۰۰۲۸۳۲۵۶۵۲۲ ارسال نمایید.

**برندگان شماره قبل:**

- هدیه ربیعی دانشجوی مشاوره راهنمایی مجتمع ولیعصر
- عبدالرحمان ولی‌پور دانشجوی مدیریت صنعتی دانشکده مدیریت
- الهام کوهستانی دانشجوی دکترای زبان و ادبیات عرب مجتمع ولیعصر

**نتایج نظر سنجی شماره قبل:**

عالی (۴۰ درصد)  
خوب (۵۳ درصد)  
متوسط (۵ درصد)  
ضعیف (۲ درصد)